



### وای به روزی که بگنجد نمک

شهلا نوری

پس از اعلام حذف دروس  
پیشگیری از ایدز و اعتیاد از  
دروس اجباری در مدارس،  
رئیس انجمن مبارزه با آسیبهای  
رفتاری انتقاد خود را متوجه  
آموزش و پرورش کرده و وزارت آموزش و پرورش را اصلی  
ترین متولی دانش آموزان خواند. بر اساس گفته وی قرار بوده که  
است که آموزش مهارتهای زندگی جزء دروس اجباری دوره های  
تحصیلی بخصوص دوره راهنمایی باشد. اما نه تنها تصمیم گیری  
در رابطه با تدریس این دروس بصورت اختیاری و با تصمیم  
مدیران مدرسه اجرا می شود بلکه خبر از حذف مباحث آموزشی  
پیشگیری از " ایدز و اعتیاد" هم در میان است.

از طرف دیگر هشدارهای پیاپی در باره افزایش مصرف مواد  
مخدر و میان کودکان و نوجوانان بخشی از تیتر اخبار ایران می  
باشد. در این میان اما اخبار مربوط به وضعیت کودکان خیابانی و  
هشدار در مورد افزایش تجاوز جنسی به  
کودکان از همه اخبار دردناکتر می باشد.

**سازمان آزادی زن در  
فروم اجتماعی اروپا و در  
نمایشگاه بین المللی کتاب در گوتنبرگ سوئد**  
صفحه ۸

**سلاحی به نام صلاح**  
مهناز فزلو (رها)  
صفحه ۳

**اعدام کودکان، جلوگیری یا بازتولید جنایت؟**  
پویا نودهی  
صفحه ۴

**چاپ دوم کتاب "حقوق زن و اسلام سیاسی" به  
زبان انگلیسی نوشته  
آذر ماجدی  
منتشر شد**  
صفحه ۷



### ناموس پرستی و دم خروس!

سخن سردبیر ۵۱

نادر احمدی (با اجازه خودم  
لقب آقا را حذف نمودم چون به  
چنین القابی اعتقاد ندارم) در  
مقاله ای تحت عنوان *آیا آزادی  
جنسی پیش شرط مقابله با  
ناموس پرستی است؟* به نوشته ای از من که در شماره ۵۰ نشریه  
آزادی زن چاپ و سپس در سایت آزادی بیان منتشر شد برخورد  
نموده است. من به شخصه از این نقد و جوابگویی استقبال میکنم و  
آنها نشانه اهمیت دادن به مسئله مطرح شده تلقی میکنم و سعی  
میکنم که تا آنجا که برایم امکان دارد به نادر احمدی جواب دهم و  
موافقت و یا اختلاف نظرم را در مورد نظرات ایشان بیان نمایم.

نادر احمدی میگوید:

**رابطه جنسی یک رابطه خصوصی بین زن و مرد است اما قوانین  
اجتماعی، سنت، مذهب و فرهنگ و مهمتر از همه فیزیولوژی  
انسانها در کیفیت این رابطه تاثیرات تعیین کننده ای دارند.**

به نظر میرسد در این قسمت که رابطه جنسی یک رابطه  
خصوصی است ولی قوانین و سنت و غیره در آن تاثیر دارند من  
ظاهرا با ایشان اختلاف نظری ندارم. من بعدا به این می پردازم که  
چرا ایشان در مورد همین رابطه شخصی اتفاقا نظرش این نیست و  
تعارف میکند و اختلاف جدی با من دارد. اینکه فیزیولوژی در این  
رابطه تاثیر دارد جالب است. منظور از فیزیولوژی چیست؟ شاید  
ایشان منظورشان این است که مثلا زنان از نظر فیزیکی ضعیف  
هستند و یا مردان بدلیل مرد بودن امیال جنسی ویژه تری دارند و  
باید آنها را فهمید و یا زنان میل جنسی کمتری دارند بدلیل وضعیتی  
ضعیف جسمی و یا چی؟

راستش من نفهمیدم نظر ایشان کدام یک از اینها میباشد. من به هیچ  
عنوانی نمی پذیرم که زنان و یا مردان در رابطه جنسی شرایط  
ویژه ای دارند. راستش این را توهین مستقیم به مردان هم میدانم.  
اگر اختلافی در این مورد هست اتفاقا در قوانین و سنت و مذهب و  
فرهنگ است که این اختلاف را از همان هنگام تولد در کودکان  
دختر و پسر نهادینه میکند و از آنها زن و مرد می سازد. اولی یاد  
میگیرد که امیال جنسی مال حیوانات است و باید با عفت و پاکدامن  
باشد و دومی یاد میگیرد که آلت تناسلیش مهمترین نعمتی است که  
وی از آن برخوردار شده است. دختران از همان نوازدی خوشگل  
و خانم هستند، لباس صورتی رنگ برایشان تهیه میشود و پسران،  
دودول طلا هستند و مزین به رنگ آبی میشوند. همه ی ما در  
اطرافمان صدها بار این ها را شنیده ایم. امیدوارم ایشان منظور من  
را بفهمند. این لایه لایه گفتن ها عادت و  
دنباله در صفحه ۲

## ناموس پرستی و دم خروس!

سنت‌های هزار ساله ای است که بسیاری از ما آنرا به دوش میکشیم بدون آنکه الزاما انسان بد و یا مرد سالاری باشیم. بسیاری از این عادات و سنن را اتفاقا زنان هستند که به نسل بعدی منتقل میکنند و از آنها پاسداری هم می نمایند.

دوست گرامی فیزیک شما هیچ ربطی به رابطه خصوصی شما ندارد. شما بعنوان جنس مرد از آزادی عمل بیشتری برخوردار هستید و زنان این را ندارند. این را سنت، جامعه، قوانین اجتماعی و مذهب به شما روا داشته است. هیچ خانواده‌ای در هنگام ازدواج دخترش مدعی پرده بکارت مرد نیست.

ایشان در ادامه مینویسند که من برای تحقق آرزوهایم چشم به روزی دوخته ام که **نیروهایی انقلابی در کردستان و ایران حاکم شوند و این آرزوی خام است.**

هر چند از دوران جوانی من مقداری گذشته است ولی آرزو بر جوانان عیب نیست. من نمیدانم که نادر احمدی به کدام جبهه تعلق دارد و بقول خودش برای چه کسی سینه میزند ولی خوشحالم که ایشان میدانند که من به جبهه انقلاب تعلق دارم و بالاخره برای یک دنیای بهتر نهایت تلاشم را میکنم. آرزوی من برقراری یک جامعه انسانی و برابر است. اما اینکه نیروهای مختلف ناموس پرست هستند و هدفشان فریب مردم است، بیشتر خنده دار است تا جوابی درست را طلب کند. نیروهای مختلف با برنامه های مختلف خود را تداعی میکنند. البته که هر حزب و سازمان برای جمع آوری بیشترین نیرو تلاش خود را میکند و تلاش

میکند که باورهای خود را به میان مردم ببرد و برای به سرانجام رسیدن آن نهایت تلاش را انجام دهد. این یک حق است و شما نمیتوانید این حق را از هیچ نیروئی دریغ کنید حتی اگر مخالفشان باشید. اختلاف من با شما در اینجاست. من موافق آزادی بید و شرط اعتقادات و فعالیت سیاسی و اجتماعی هستم حتی برای شما. اگر هنوز ناموس پرستی در میان احزاب و سازمانها وجود دارد باید یقه شان را گرفت و برنامه اشان را نقد کرد. ظاهرا نقد اساسی ایشان در این نوشته به من و کمونیسیم کارگری این است که ما تلاش میکنیم جنبش برابری

است که سکس بدون مجوز خانواده و بستگان و آخوند محل داشته اند؟ مگر سنگسار زنان و مردانی که با هم رابطه ای که خود انتخاب کرده اند، داشته اند سیاسی نیست؟ مگر جمهوری اسلامی تحت عنوان مجری قوانین جامعه سنگسار و اعدام نمیکند؟ مگر صیغه و چندهمسری سیاسی نیست؟ پس سیاست چیست؟

من از شما میپرسم، چرا نظر مریم نمازی در مورد عفو مخالفینش را در جلسه که بقول شما با دو مرد مذکر(?) حاضر شده بود، مورد نقد قرار ندادید و فقط به خوش برو رو بودن ایشان در یک جمع مردانه (که

**فرهنگ ناموس پرستی و تداوم آن بوسیله قوانین، سنت‌ها و سیاست هائی که از طرف دولت اسلامی در ایران اعمال میشود عملا شکوفائی و بالندگی بسیاری از انسانها را متوقف میکند. و این بیماری مزمنی است که قربانیان خود را نه تنها از میان زنان بلکه از میان مردان بطور روزمره درو میکند.**

شما هم در آنجا تشریف داشته اید) بسنده کردید؟ آیا این لمپنیسم را تعریف نمیکند و نشان از نظرات سکسی شما نیست؟ چه کسی انسانها را با سکس تداعی میکند من یا شما؟ من به نظرات شما برخورد میکنم نه به برو رویتان؟ آیا این فرهنگ ناموس پرستی نیست؟ اگر به اصطلاح ناموستان در همان جلسه حضور داشت و در مقابل چشمان حیرت زده شما این حرف ها را تائید میکرد چکار میکردید؟ آیا این توهین به مردان نیست که شما به سخنران یک جلسه بعنوان یک منفعل سکسی خوش برو و رو نگاه میکنید؟

افاضات مردانه نادر احمدی کار را به جایی میرساند که در

طلب در ایران را به سرانجامی برسانیم. برنامه ما در مورد زنان و قوانین حاکم بر رابطه انسانهای بزرگسال بسیار روشن است. من ایشان را به این برنامه ارجاع میدهم. لطفا اگر نیت خیر دارید برنامه ما را به نقد بکشید.

اما نادر احمدی که نگران انقلاب در ایران است در ادامه مقاله اش دیگر نمیتواند بیشتر از این دم خروس را پنهان کند. ناگهان بندها را پاره میکند و با به میان کشیدن دختران من و اینکه مریم نمازی ظاهر بدی ندارد نظرات مرد سالارانه و ناموسی خود را آشکار میکند. ایشان می فرمایند که ما سکس را سیاسی کرده ایم. من میپرسم چرا که نه؟ مگر دخترانی که بقتل میرسند نه به خاطر این

بخش پایانی نوشته خود بعد از "نقد آتشین مارکسیستها" به یک بررسی ظاهرا عملی در مورد تفاوت‌های اساسی بین جنسیت زن و مرد میپردازد و با توضیحات بسیار متناقض تلاش میکند که مشکلات اساسی و فرودستی زنان را با نقص فیزیکی آنها توضیح دهد و در این رابطه تا آنجا پیش میرود که مینویسد:

**البته باید در نظر داشت که زنان از نظر ارگانیک و فیزیولوژی با مردها متفاوت هستند و بجز موارد استثنایی زنان موجوداتی منفعل و محافظه کار هستند که مثل مردها دارای روحیه پیشروی و پیشگامی و اعتراضی نیستند!**

خوانندگانی که نوشته نادر احمدی را خوانده اند (که امیدوارم خوانده باشند) باید متوجه شده باشند که منظور ایشان از موجوداتی منفعل و محافظه کار (زنان) و پیشرو و معترض (مردان) عاداتها و فرهنگ زنان در رابطه با سکس است. ایشان که شرمگین و خجول و ناموس پرست است، نمیخواهد اعتراف کند که زنان بخاطر زن بودن و زن پرورده شدن، بویژه در کشورهایی مانند ایران، نه آموزشی در مورد اینکه چگونه باید سکس داشته باشند دیده اند، نه میدانند از این رابطه بعنوان یکی از مکانیزمهای طبیعی انسانی استفاده کنند و نه جرئت دارند در مورد سکس بعنوان یک نیاز فکر کنند. منظور از شجاعت و پیشگامی که ایشان عنوان میکند تجربیات مردانه ای است که مردان به لطف جامعه، سنت‌ها، عرف و قوانین از آنها استفاده میکنند. ایشان حتما خبر دارند که میلیونها زن بدلیل نداشتن همین تجربیات

دنباله در صفحه ۳

**زنده باد برابری! زنده باد آزادی!**



## برای نجات يك انسان

برای نجات يك لبخند  
برای نجات يك نگاه  
برای نجات يك قلب  
که می ایستد روی تیرک اعدام  
برای تیمار يك اندوه  
برای التیام يك درد  
برای نجات يك صدا  
که می پیچد در همه ای گنگ در میدان  
چون می آویزندش حلقه ای بر گردن

برای کشتزارهای طلایی گندم  
برای درختان سبز بلوط  
برای مرهم زخم عمیق يك عشق  
تکیده بر خاکی سرد  
درگودال

نامت را بنویس  
زیر واژه هایی تلخ  
در رنجنامه ای  
چکیده بر آن اشکهای يك انسان

مهناز قزلو (رها)  
اوت ۲۰۰۸

سیاست هائی که از طرف دولت اسلامی در ایران اعمال میشود عملاً شکوفائی و بالندگی بسیاری از انسانها را متوقف میکند. و این بیماری مزمنی است که قربانیان خود را نه تنها از میان زنان بلکه از میان مردان بطور روزمره درو میکند. اعتراض مردم مریوان اعتراضی به این بیماری است. قتلهای ناموسی در کردستان بیشتر از استانهای دیگر نیست. تفاوتی که هست تفاوت مبارزه و رهبران پیشرو این مبارزه است. وجود یک جنبش برابری طلب در کردستان و تلاش رهبران آگاه آن، قتل زنان و کودکان را به درستی به یک معضل اجتماعی تبدیل نموده است. باید این جنبش را تقویت نمود و برای پیشروی و گسترش آن به دیگر مناطق ایران تلاش نمود.

پروین کابلی

## ناموس پرستی و دم خروس!

چگونه اسیر رابطه خارج از ازدواج در زندگی مشترک خود میشوند و حتی با وجود داشتن موقعیت اقتصادی مناسب نمیتوانند راحت این رابطه را کنار بگذارند و بقولی به همه چیز پشت پا بزنند.

آنچه که در نوشته نادر احمدی مهم است و میشود به راحتی آن را دید فرهنگ ناموس پرستانه و مرد سالارانه ای است که ایشان نمایندگی میکند. اتفاقاً این همان نکته ای است که من در مقاله ام روی آن انگشت گذاشته ام. این را هم باید یادآور شد که همه ناموس پرستان قاتل نیستند و هرگز حتی به مخیله شان هم خطور نمیکند که دست به روی عزیزانشان بلند کنند. اما فرهنگ ناموس پرستی و تداوم آن بوسیله قوانین، سنت ها و

## سلاحی به نام صلاح

مهناز قزلو (رها)

متعفن نیست. اصلاح طلبان و حامیان اینگونه کمپین ها علیرغم سرکوب وحشیانه، فشارها، اعدامها و کشتار بی حد و حصر، به طور علنی در جامعه فعال اند و به نظر می رسد مسالمت جوئی ایشان تنها روند سرنگونی را تضعیف می کند. قدر مسلم این که حرکت های محافظه کارانه يك توهم پراکنی و عوامفریبی محض است که ره به ناکجا آباد برده و بر عمر رژیم می افزاید.

اساساً در جمهوری اسلامی معجزه ای به نام اصلاحات غیرممکن است. رفرمیسم قابلیت تحول و تکوین ندارد و در پیکربندی خود مطلقاً آلترناتیو محسوب نمی شود، بلکه تنها مانعی است بر نفوذ و رشد ایده های انقلابی. تاکتیکی برای سرکوب شکل گیری جنبش های قهرآمیز.

چرا باید انتظار داشت که رژیم اندکی کوتاه بیاید. این يك ارزیابی و تحلیل مطلقاً غلط از شرایط مشخص جامعه ایران است. این ارائه نسخه قلابی از تغییرپذیری قانونمندی نظامی اسلامی-فاشیستی است، توهمی که هرگز صورت عینی نخواهد یافت.

لغو یکی دو قانون ضد انسانی در چنین حاکمیتی جز فریب نبوده و عقب نشینی های مقطعی مادامی که این حکومت پابرجاست، با منافع خلق در تناقض قرار دارد و در نهایت نوعی حمایت از خود حاکمیت سلطه دنباله در صفحه بعد

صلاح و مصلحت چنانکه از سیاق واژه برمی آید به تغییر و تحول نمی انجامد چرا که خواهان دگرگونی بنیادین، اساسی و ساختاری نیست. کمپین يك میلیون امضا جز يك گرایش رفرمیستی نیست. گرایشی که مانع گسترش و توسعه جنبش های مترقی و سرنگونی طلب است. رویکرد رفرم و اصلاح طلبی برآمده از ذات حاکمیت است و در مقاطعی که جنبش های سرنگونی طلب پیش رفته اند، این خصوصیت بعنوان سوپاپ اطمینانی برای کنترل و مهار جنبش ها، خیزش ها و اعتراضات نمود و ظهور یافته است.

این کمپین و یا هر حرکتی که صرفاً خواهان تغییرات سطحی در چارچوب وجود حاکمیت باشد نقدي بی مایه است. سلاحی است بی ثمر که هرگز نمی توان بوسیله آن رژیمی که نزدیک به سی سال به طرز فجیع بر علیه انسان و آزادی برخاسته، اصلاح نمود و به نقدي و صلاحی کفایت کرد و بوی بهبود از اوضاع جهان شنید. این کمپین و امثال آن آب تظہیری است بر قبای آلوده ی فاشیسم که این بار از دل مذهب بیرون آمده است.

آنچه از جوهره حاکمیتی که بر مسند قدرت است برمی آید وجه عوامفریبی آن است که ریشه در خدعه، خرافه و گنداب های قرون وسطایی دارد که هیچ چیز جز سرنگونی، درمان این دمل کهنه و

رهائی زن رهائی جامعه است!

## وای به روزی که بگنند نمک

واقعیت این است که خود نمک سالها پیش گندید و به همین دلیل پروژه اصلاح رژیم در دست بخشی از خود رژیم قرار گرفت.

در کشوری که گفته می شود:

- تعداد معتادین واقعی آن معلوم نیست و بسیاری از خانواده ها از صحبت در مورد عضو معتاد خانواده خود ابا دارند،
- تعداد نوزدانی که از تجاوز به دختران خیابانی بی

سرپرست بدنیا می آیند، شدیداً افزایش یافته و معمولاً این نوزادان را در سطل آشغال سر کوچه می شود مشاهده کرد،

از سال ۲۰۰۵ تا کنون دست کم ۲۶ نوجوان را بدار آویخته اند که ۶ مورد آن در سال ۲۰۰۸ به اجرا گذاشته شده است،

حکایت بد آموزی یا دیر آموزی کودکانی که در کنار بزرگترها و زیر یک سقف زندگی می کنند در مقابل وضعیت درد آور زندگی کودکان خیابانی، چه تأثیری می تواند داشته باشد؟ کودکانی

که هیچ تکیه گاه و پناه گاهی ندارند اما نسبت به دیگر اقشار جامعه کمتر دست به بزه کاری می زنند. کودکانی که کمترین تهدید برای حکومت اسلامی سرمایه در ایران هستند!

حکومتی که بر روی دریایی از نفت تکه کرده و با داشتن چندین سازمان و اداره و نهاد دولتی هنوز نتوانسته محیطی شایسته حتی برای گذران یک شب از زندگی کودکان خیابانی فراهم کند، آیا خود مسبب همه این پدیده ها نیست؟ شاید لازم باشد مردم ایران مجدداً به تومار جنایات رژیم اسلامی مراجعه کنند تا خود را کمتر سرگرم اعتراضات خودی های

این رژیم ببینند. واقعیت این است که پرسش و توضیح و توجیه در مورد مشکلات موجود در جامعه از دهان کسانی که خود در رأس این حکومت هستند یک مأموریت اداری و الهی است که در روزنامه های رژیم بازتاب می یابد.

اما آن چیزی که توسط این رژیم از دست رفته و با هیچ ترفندی به وسیله این رژیم بر نخواهد گشت، حرمت انسان است!

شهبلا نوری

## سلاحی به نام صلاح

است. در عین حال باید از نظر دور نداشت آنچه تاکنون به نام اصلاح و رفرم مطرح بوده صرفاً در حد شعار و وعده بوده است. رفرم واقعی و حتی در حدی که بخشی برآمده از حاکمیت شعار آنرا مطرح می سازد در قالب و قانونمندی آن اساساً میسر نیست و آنچه بی

هیچ گونه شك و تردید مسلم است آنکه تحقق مطالبات اساسی خلق در چارچوب حفظ وضع موجود امکان پذیر نیست.

به سادگی می توان پی برد چنین کمپین هایی با روند مسالمت جویانه اشان پاسخگو و درمان مناسبی بر دردها و معضلات نیستند و بسیار ساده لوحانه است در شرایطی که مصاف با فاشیست مذهبی حاکم

برایران تنهاره به سرنگونی بعنوان راه حل صریح و انکارناپذیر آن می برد، در حسرت اصلاحات کوتاه بیاایم. آیا در ضد خلق بودن این حاکمیت تردیدی هست؟ به چه بهایی دل به صرف اصلاحات باید بست؟ آنچه مسلم می باشد عدم امکان اصلاح پذیری این حکومت است.

اهداف انقلابی را با سرنگونی

می توان محقق کرد و نه با رفرم. خصلت مشخصه ی جنبش های مردمی رفرم ناپذیری آنهاست. تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی می توان بر اینهمه سرکوب، جنایت، تبعیض، کشتار، اعدام و ... و این پدیده ی وحشتناک نقطه ی پایان گذاشت.

مهناز قزلو (رها)

## اعدام کودکان،

## جلوگیری یا بازتولید جنایت؟

پویا نودهی

چندی است که مساله اعدام کودکان به محور اصلی بحث های بسیاری از سازمان های بین المللی حقوق بشر و فعالان اجتماعی در ایران و سایر نقاط دنیا تبدیل شده است.

اعدام چندین کودک در چند وقت اخیر نیز به این بحث دامن زده و موافقان و مخالفان چنین مجازاتی را به صحنه بحث و گفتگو کشانده است. با

توجه به اینکه مساله کودکان مجرم و شیوه برخورد با آنها می تواند تأثیرات متفاوت و ریشه ای در جامعه داشته باشد کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان تهران بر خود می داند تا نظرات و جهت گیریهایش را نسبت به این مساله به صورت شفاف بیان دارد و ما از همه فعالین در این زمینه خواهشمندیم که ما را در این امر یاری رسانند.

اعدام مساله ای است که از دیر باز به عنوان مجازات جانیان خطرناک و به عنوان اشد مجازات برای یک فرد در نظر گرفته می شده. در واقع (در ایران) جرمهایی که به

خاطر آن افراد اعدام می شوند می تواند از دزدی یک بسته شکلات تا قتل نفس را در بر بگیرد و شدت در نظر گرفتن مجازات برای مجرم به طور کلی رابطه مستقیمی با شرایط جامعه و رشد فکری و مدنی آن دارد.

در چند دهه گذشته جنبش ضد اعدام جایگاه خاصی در مجامع حقوق بشر باز کرده و توانسته به مقدار زیادی جلوی چنین مجازات هایی را بگیرد. هم اکنون ۱۲۸ کشور جهان یا اعدام را به کل از قانون اساسی خود حذف کرده اند یا بیش از ۳ دهه است که عملاً دست به اینگونه مجازات ها نمی زنند.

شرط حذف مجازات اعدام یکی از شرط های باقیماندن در اتحادیه اروپا می باشد و سازمان عفو بین الملل، ائتلاف جهانی علیه اعدام و همچنین برخی از "ان جی او" ها قطعنامه ای را به مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ مبنی بر توقف اعدام در سطح جهان ارائه کردند. این اقدام گامی موثر در جهت لغو قانونی "مجازات اعدام" در سطح جهان است. در آخر سازمان ملل نیز مجازات اعدام را محکوم و از کشورهای عضو این سازمان درخواست نمود تا مجازات

دنباله در صفحه بعد

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!



## اعدام کودکان، جلوگیری یا بازتولید جنایت؟

اعدام را به طور کلی از قوانین خود خارج کنند.

مجازات اعدام نه تنها باعث از بین رفتن جرم و جنایت نمی شود بلکه یکی از عوامل افزایش آن نیز هست چون اعدام و حذف فیزیکی مجرمین تنها باعث از بین رفتن یکی از هزاران قربانی جامعه ی نا امن و بیمار می شود بدون آنکه کمبودها و عقده هایی که باعث بوجود آمدن مجرم شده است شناسایی شود. در واقع بحث ما اینجا بر سر گناه کار بودن یا نبودن افراد اعدام شده نیست. بحث بر سر این است که کسی حق کشتن انسان دیگری را ندارد. بحث بر سر این است که چنین مجازاتی تنها ترس و وحشت را در جامعه القا می کند و خشونت و وحشی گری را یک امر عادی و روز مره نشان می دهد. کسی که در یک جامعه مرتکب جرم می شود باید مورد بازپروری قرار گیرد تا کمبودها و نقصانی که باعث تبدیل شدن وی به یک جنایتکار شده شناخته و درمان شود. مجازات اعدام از بازگو شدن این کمبودها جلوگیری و با بریدن سر نخ از پیدا کردن عوامل و کمبودهای زاینده جرم در جامعه جلوگیری میکند. این درحالی است که هر جنایتی که در جامعه اتفاق می افتد تنها به گردن شخص انجام دهنده نیست بلکه تمام افراد جامعه در به وقوع پیوستن این جرم شریکند. چون جامعه هرچه امن تر و انسانی تر باشد جرم و جنایت در آن کمتر است. اما جدای از این موارد اگر آمار جرم و جنایت را بررسی کنیم در کشورهایی که مجازات اعدام اعمال می شود این آمار

سیر صعودی دارد.

به هر حال اگر مقصود از اعدام کردن این باشد که با ایجاد ترس در جامعه از ارتکاب جنایت جلوگیری به عمل آید تجربه نتیجه ای عکس را نشان داده است. و با توجه به اینکه ایجاد ترس در جامعه خود از عوامل بالا رفتن بزه و جرم و جنایت می باشد بسیار غیر منطقی به نظر می رسد. از طرفی دیگر اگر مقصود تنبیه جنایتکار است خود اعدام تکرار قتل و یه شکل خاصی توجیه کننده عمل جنایت است. در واقع نمی توان با کشتن انسان ها به جنگ با مقوله کشتن انسان رفت!

اعدام فرهنگ آدم کشی را زنده و برای جامعه عادی کرده و بدین طریق به بازتولید عمل قتل کمک می نماید. در واقع می توان به جای چنین عملی به بازپروری مجرم و دستیابی به ریشه ها و کمبودهایی پرداخت که جنایتکار تولید میکنند. به طور قطع هیچ انسانی به شکل مجرد جنایتکار نیست و این شرایط جامعه است که از وی یک جنایتکار می سازد و بدون دست یافتن به چنین معضلاتی ریشه کن کردن جنایات بسیار خود فریبانه و غیر قابل دسترس می شود. باید ببینیم که چه عواملی باعث بوجود آمدن چنین جنایتکاری شده. کشتن قاتل علاوه بر عادی سازی کشتار و خشونت در جامعه مانع بر طرف شدن مشکل شده و جامعه تبدیل به جایگاهی برای پرورش جرم و جنایت خواهد شد.

در نهایت باید اذعان داشت قاتل و مقتول هر دو قربانی و نمود عینی آسیبها و کمبودهای همان اجتماع هستند و جنایتکار اصلی جامعه ای است که این جنایات را تولید می کند. اما از نگاهی دیگر نیز می توان

درستی چنین مجازاتی را زیر سوال برد و آن اشتباهاتی است که به هر حال در بزرگترین و عادلانه ترین دادگاه های جهان نیز صورت می گیرد. آیا تضمینی هست که مجرم محکوم به اعدام به طور قطع گناهکار بوده و حکم درستی برای وی در نظر گرفته شده است؟ حتی کوچکترین احتمالی نیز می تواند انسان را مجاب کند که چنین مجازات بدون بازگشتی شدیداً غیر منصفانه و غیر قابل جبران می باشد. نمونه های بسیاری از این قبیل اشتباهات را می توان در تاریخ دادگاه های جهان مشاهده نمود و شاید بارزترین و مجاب کننده ترین آن اعدام دیوید گیل فعال سرشناس جنبش ضد اعدام باشد.

اما تا اینجا تمام بحث بر سر مجازات اعدام به صورت عام بوده و در حالیکه ما امروز با مشکل اعدام کودکان نیز روبرو هستیم. در واقع اعدام کودکان خشن ترین و غیر عادلانه ترین مجازاتی است که یک مرجع قضایی می تواند در نظر بگیرد.

طبق کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد کودک به انسان زیر ۱۸ سال خطاب می شود که فاقد بلوغ فکری و اجتماعی بوده و مجازات اعدام در مورد آن مردود می باشد. با توجه به اینکه این کنوانسیون به امضای دولت ایران نیز رسیده است ما از تمامی مراجع قضایی و قانون گزار درخواست می کنیم که در مورد اعدام کودکان تجدید نظر نموده و راهکارهای دیگری را در این مورد به کار گیرند.

در واقع کودک در زمان هنگام ارتکاب به جرم فاقد بلوغ کامل فکری و اجتماعی بوده و به شکل ناخواسته و تحت تاثیر شرایط و جامعه دست به چنین

عملی زده و جنایات صورت گرفته در کودکان با برنامه ریزی قبلی یا انگیزیه مشخصی نبوده است و مجازات اعدام بیش از اندازه برای چنین جرم هایی که می تواند در یک نزاع بچگانه و ساده نیز رخ دهد سنگین است!

اگرچه کودکان در ایران در سنین کودکی به دار مجازات آویخته نمی شوند، اما پس از گزارندن سال ها در زندان و رسیدن به سن قانونی این مجازات در مورد ایشان اجرا میشود و این خود نیز با مشکل حقوقی مواجه است. زیرا جرم در زمان دیگری اتفاق افتاده که همانطور که گفتیم شخص مجرم در سنین کودکی قرار داشته و فاقد بلوغ فکری و اجتماعی کافی برای تجزیه و تحلیل شرایط بوده است.

آیا بهتر نیست در این مورد از روش های بازپروری و مجازات هایی سبک تر در مورد کودکان استفاده شود با توجه به اینکه انسان در این سن به خوبی می تواند به شرایط نرمال و انسانی برگشته و به آغوش جامعه بازگردد. در حالیکه کشتن او نه تنها مشکلی را حل نمی کند که با توجه به گفته های بالا مشکلات عدیده ای را هم بر دوش جامعه می گذارد.

در آخر باید گفت که اعدام آلترناتیو خوبی برای "پاک کردن زمین از جنایتکار" نیست. اعدام که خودش کشتن یک نفر میباشد نمی تواند باعث از بین رفتن جنایت شود بلکه خود جنایت را تکرار میکند. ولی در مقابل لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است!

نقل از سایت کانون دفاع از حقوق زنان و کودکان - تهران

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!



از میان خبرها

### قتل ناموسی در اسلام آباد

در اسلام آباد غرب زنی ۲۹ ساله به نام ر. که پیش‌تر از همسرش جدا شده بود و همراه با فرزند ۱۰ ساله‌اش در منزل پدری خود زندگی می‌کرد توسط برادرش به قتل رسید.

هر چند در ابتدا سعی شد در بین اقوام و مردم شهر، قتل این زن بر اثر تصادف رانندگی وانمود شود اما با گذشت چند روز چریان این قتل که با فرود آوردن میل آهنی بر سر مقتول و پرتاب وی از ماشین توسط برادرش صورت گرفته بود آشکار شد و قاتل دستگیر گردید.

گفتنیست قاتل که ۲۶ سال سن دارد انگیزه خود را از به قتل رساندن خواهرش جدایی وی از همسرش و لکه دار نمودن حیثیت و آبروی خانوادگی‌شان عنوان کرده است!

### سرکوب، قتل، جنایت و ضدیت با حقوق بشر توسط حکومت اسلامی

بنابه گزارشات رسیده از زندان مرکزی اصفهان حکم سنگسار دو زندانی همچنان به قوت خود باقی است. گیلان محمدی حدوداً ۳۰ ساله که در بند زنان زندان اصفهان زندانی است یکی از آنها است. او در حدود ۵ سال پیش دستگیر و زندانی شد. گیلان محمدی در یک بیدادگاه اسلامی به اتهام داشتن رابطه نامشروع محکوم به سنگسار شد.

همچنین غلامعلی اسکندری در بند آفاغه زندان اصفهان بسر می‌برد و در حدود ۵ سال است که در بازداشت است. او نیز در یک بیدادگاه اسلامی محکوم به سنگسار شد.

علیرغم اینکه سخنگوی قوه قضائیه پیش از این اعلام کرده بود که احکام سنگسار متوقف گردیده و همچنین گفته شد احکام کسانی که حکم سنگسار دارند تقلیل یافته است. ولی در شرایط محکومیت این ۲ زندانی هیچ تغییری بوجود نیامده است و حکم سنگسار آنها همچنان به قوت خود باقی است.

احکام سنگسار، اعدام کودکان، اعدام‌های دسته جمعی، اعدام زندانیان سیاسی و قطع عضو زندانیان توسط بیدادگاههای حکومت اسلامی صادر میشود، توسط رئیس قوه قضائیه تایید می‌گردد و توسط مامورین حکومت اسلامی به اجرا در می‌آید. این جنایات بر خلاف همه اصول کرامت انسانی است و در هیچ جای دنیا، حتی غیر انسانی‌ترین دیکتاتوری‌های دنیا، به اجرا در نمی‌آید.

### بازداشت، شکنجه، زندان، تبعید و قتل!

چهار سال حبس در تبعید؟ برای زینب بایزیدی! به چه جرمی؟ زن بودن؟ کرد بودن؟ انسان بودن؟ آنان که دغدغه‌ی بشریت دارند می‌دانند این حکم کمترین قربانی حتی با قوانین ضد انسانی خود حکومت اسلامی و صد البته با مفاد بیانیه‌های حقوق بشری صادره در دنیا را ندارد. قلم پر کینه‌ی قضات (!) بیدادگاه‌های ایران این روزها با عداوتی صد چندان برای صدور احکام ضد انسانی بر علیه فعالین سیاسی اجتماعی ایران و به ویژه فعالین کرد به گردش در می‌آید.

هم اینک هشت زندانی عقیدتی محکوم به اعدام در کردستان وجود دارد.

روناک صفازاده همچنان با گذشت ماهها از بازداشت خود در بدترین شرایط ممکن در زندان نگهداری می‌شود. وی با وجود شرایط بسیار نامناسب خود در زندان و مشکلات جسمی‌اش، در اعتراض به رفتارهای غیر انسانی صورت گرفته در زندان با حبیب الله لطیفی، دانشجوی سنندجی، دست به اعتصاب غذا زده و با شدت یافتن وخامت حالش به بیمارستان منتقل شده است!

هانا عبدی با ابلغ حکم غیر انسانی پنج سال زندان در تبعید مدت زیادی است که در زندان در انتظار تشکیل دادگاه تجدید نظر است. ده‌ها تن دیگر بلا تکلیف و غیرقانونی در زندان به سر می‌برند!



از سوی دیگر وضعیت نامعلوم و نگران‌کننده‌ی دو زن دیگر در زندان کردستان، هانا عبدی و روناک صفازاده، موضوعی است که نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت.

آنچه اهمیت دارد این است که باید دست به تلاشی گسترده و همه‌جانبه زد تا زنان بی‌گناهی که به جرم فعالیت برای برابری حقوق خود با مردان و احقاق آن در زندانند، از بند رها شوند.

رژیم اسلامی بدون توجه به اعتراضات داخلی و بین‌المللی به اعدام کودکان و نوجوانان ادامه میدهد

بهنام زارع که در کودکی مرتکب قتل شده بود، صبح سه شنبه بدون حضور وکیل و خانواده‌اش به دار آویخته شد. هفته پیش نیز رضا حجازی نو جوانی دیگر اعدام شد.

بهنام زارع متولد سال ۱۳۶۸ در پانزده سالگی در یک دعوی کودکانه بر سر یک کبوتر مرتکب قتل مهرداد شد. وی از سال ۸۴ تا زمان اجرای حکم در زندان شیراز زندانی بود. اعدام بهنام زارع یک روز پس از انتشار اطلاعیه اتحادیه اروپا در محکوم کردن اعدام رضا حجازی، صورت گرفت.

رضا حجازی نیز هفته گذشته به جرم قتلی که در پانزده سالگی مرتکب شده بود، اعدام شد. رضا حجازی ساعتی پس از اینکه به وکیل او اعلام شد اجرای حکم به تعویق افتاده است، به دار آویخته شد.

اتحادیه اروپا در اطلاعیه خود از اینکه طی سال جاری شمار اعدام افرادی که در کودکی مرتکب جرم شده بودند در ایران به پنج نفر رسیده، به شدت ابراز نگرانی کرده است.

همزمان کشورهای اتحادیه اروپا به روابط اقتصادی، سیاسی و شبه فرهنگی خود با حکومت اسلامی ادامه میدهند و از نمایندگان، که بلا استثنا دستشان به خون جوانان آزادی خواه و برابری طلب آلوده است، در جلسات مختلف پذیرایی می‌کنند و به ریش کارگران، زنان، دانشجویان و سایر اقشار تحت ستم حکومت اسلامی می‌خندند.

نقل بطور خلاصه از سایتهای خبری دیده بان حقوق بشر کردستان و اخبار روز و غیره

**نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!**



## خانه مدوسا به محل جدید انتقال یافت

تجربیات مشترک، شکستن تابوها و عبور از مرزهای ممنوعه، عاملی برای به واقعیت بدل کردن کنترل زندگی خود است! با فراهم آوردن کمک و ابزار حمایتی می توان اعمال روشهای خشونت آمیز را از زندگی خود دور کرد و کنار گذاشت!

بعد از ظهر پنج شنبه ها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برای ملاقات با شما در لوکال ویکتوریا هوست حضور خواهیم داشت تا به بحث و تبادل نظر بپردازیم. برای اطلاع بیشتر از دیگر فعالیتهای "خانه مدوسا" با ما در لوکال جدید خانه مدوسا ملاقات کنید!

آدرس جدید Viktoriahuset Linnégatan 21 B	مدیر خانه مدوسا شهلا نوری تلفن تماس: 0737262622 Plusgirot: 15015073-8
---	---



بیست و چهارمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب، در شهر گوتنبرگ سوئد در روزهای ۲۵ تا ۲۹ سپتامبر برگزار میگردد.

سازمان آزادی زن همچون سالهای گذشته با ارائه مجموعه ای از ادبیات نویسندگان آزادی خواه و برابری طلب به زبانهای فارسی، سوئدی و انگلیسی در این نمایشگاه حضور خواهد یافت. شما میتوانید در غرفه سازمان آزادی زن با ما دیدار کنید. زنده باد آزادی، زنده باد برابری

شماره غرفه سازمان آزادی زن: C01:09

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)



مژده به دوستداران کتاب:

کتاب "حقوق زن و اسلام سیاسی" به زبان انگلیسی نوشته

آذر ماجدی، رئیس سازمان آزادی زن

برای دومین بار به چاپ رسید

برای دریافت کتاب یا کتابهای مورد نیاز خود برای هر کتاب معادل ۱۵۰ کرون سوئد یا ۱۵ یورو یا ۲۰ دلار آمریکا را به حساب زیر واریز نموده و مراتب را با پست الکترونیکی به ما اطلاع دهید. ما کتاب یا کتابهای درخواستی را در هر جای دنیا که باشید برایتان پست خواهیم کرد.

اگر پول از سوئد ارسال شود:

نام بانک: PlusGiro

شماره حساب: 442066-7

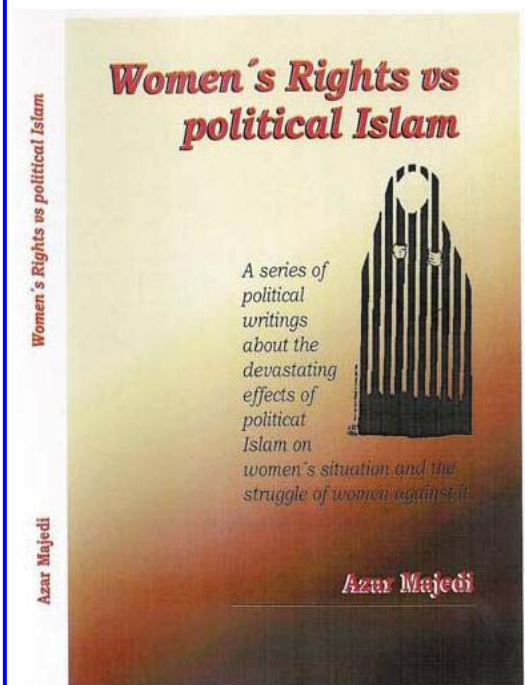
اگر پول از خارج از سوئد پرداخت شود:

نام یا BIC بانک: NDEASESS

شماره حساب یا IBAN:

SE55 0500 0099 6018 0442 0667

پست الکترونیکی: [shahla.n@bredband.net](mailto:shahla.n@bredband.net)



رهائی زن همین امروز!

# سازمان آزادی زن

## Women's Liberation - Iran



سازمان آزادی زن در فرورم  
اجتماعی اروپا  
یک اروپای دیگر ممکن است!

امسال همایش فرورم اجتماعی اروپا از  
۱۷ تا ۲۱ سپتامبر در مالمو، سوئد برگزار می شود.

انتظار میرود که نمایندگان بیش از هزار انجمن و حدود  
بیست هزار تن از سراسر اروپا در سمینارها، نمایشگاهها،  
بحثهای اجتماعی و راهپیمایی حول ایجاد یک تغییر اساسی در  
ساختن یک اروپای بدون راسیسم شرکت کنند.

سازمان آزادی زن سمیناری تحت نام

"اسلام سیاسی، حقوق زن و کشمکش های جهانی دو قطب  
تروریستی"

روز پنجشنبه ۱۸ سپتامبر برگزار میکند. در این سمینار آذر  
ماجدی درباره اسلام سیاسی و تاثیر مخرب آن بر حقوق زن  
در مناطق تحت حاکمیت اسلام، کشمکش جهانی دو قطب  
تروریستی اسلامی و دولتی و اهمیت و ضرورت شکل گیری  
یک قطب سوم در تقابل با این دو قطب برای ایجاد یک دنیای  
بهتر و همچنین ضرورت سکولاریسم سخنرانی خواهد کرد.

بعلاوه، آذر ماجدی روز یکشنبه صبح در پانلی با تم

"امنیت در اروپا، امنیت برای چه کسی؟"

شرکت میکند.

سمینار:

مکان: Møllevågen Mazettihuset Mazettisalen

زمان: پنج شنبه ۱۸ سپتامبر ساعت ۹:۳۰ - ۱۲:۳۰

پانل:

مکان: Enskifteshagen, Tält 2

زمان: یکشنبه ۲۱ سپتامبر ۳۰:۹ تا ۳۰:۱۲

سازمان آزادی زن

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

# سازمان آزادی زن

## Women's Liberation - Iran



به گروگان گرفتن فعالین جنبش حقوق زن را قاطعانه  
محکوم می کنیم!

رژیم اسلامی، چهار تن از اعضای کمپین یک میلیون امضاء، پروین  
اردلان، جلوه جواهری، مریم حسین خواه، و ناهید کشاورز را به جرم  
نوشتن مقاله در سایت "تغییر برای برابری" و "زنستان" به شش ماه  
حبس تعزیری محکوم کرد.

رژیم اسلامی بمنظور سرکوب جنبش زنان و به سکوت کشاندن فعالین  
این جنبش دست به تمهیدات گوناگون میزند. هرگونه تجمع فعالان حقوق  
زن را مورد حمله و ضرب و شتم قرار می دهد. به هر بهانه ای تعدادی  
از فعالین را بازداشت، دادگاهی و زندانی می کند. هم اکنون چندین تن  
از این فعالین در اسارت رژیم اسلامی قرار دارند. اتهام "اقدام علیه  
امنیت ملی" و احضار به دادگاه انقلاب و محکومیت به حبس تعلیقی و  
تعزیری جزو ترندهای رژیم در قبال فعالین جنبش حقوق زن است.

سازمان آزادی زن از مردم ایران و همه آزادیخواهان و برابری طلبان  
میخواهد که به این سرکوب ها اعتراض کنند. کلیه فعالین حقوق زن باید  
بلافاصله و بدون قید و شرط آزاد شوند. سازمان آزادی زن برای آزادی  
این فعالین و تحت فشار گذاشتن رژیم اسلامی در سطح بین المللی کمپینی  
را به پیش میبرد. برای اعتراض به رژیم اسلامی و پیوستن به کمپین  
آزادی این فعالین پتیشن زیر را امضاء کنید:

[http://www.petitiononline.com/mod\\_perl/signed.cgi?](http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?)

maryam20

سازمان آزادی زن به اسارت کشیدن و به گروگان گرفتن فعالین جنبش  
حقوق زن را قاطعانه محکوم می کند. ما اعلام می کنیم که تنها راه  
خلاصی از این شرایط، تداوم و گسترش اعتراض و مقابله با سرکوب  
این رژیم زن ستیز است. ما کلیه انسان هایی که قلبشان برای آزادی و  
برابری می طپد را به پیوستن به سازمان آزادی زن دعوت میکنیم تا با  
هم و درکنار هم برای لغو آپارتاید جنسی مبارزه کنیم.

ستم بر زن موقوف، سرکوب زن ممنوع، زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن

۱۸ شهریور ۱۳۸۷

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما  
استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما  
ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی، [azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

سردبیر پروین کابلی، [parvinkaboli@yahoo.se](mailto:parvinkaboli@yahoo.se)، Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، [esmail\\_owji@yahoo.com](mailto:esmail_owji@yahoo.com)

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!